

تحلیل نقش حقوق اساسی و حقوق شهروندی در قوانین شهری با تأکید بر مشارکت شهروندان در بهبود مدیریت شهری

قاسم مرادی

کارشناسی حقوق، مرکز آموزش علمی- کاربردی دادگستری کل استان بوشهر، بوشهر، ایران.
meysam.moradi.66.mm@gmail.com

سعیده نگین تاجی

کارشناسی حقوق، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران. (نویسنده مسئول).
negintaji728@gmail.com

چکیده

در دنیای معاصر، مدیریت شهری در کشورهای در حال توسعه با چالش‌های پیچیده‌ای همچون رشد سریع جمعیت، توسعه بی‌رویه کالبدی، فشار بر زیرساخت‌ها و محدودیت منابع مالی روبه‌روست. شهرها به‌عنوان مراکز فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نقش محوری در توسعه پایدار و ارتقای کیفیت زندگی دارند و تحقق این اهداف مستلزم مدیریت توانمند و مشارکت فعال شهروندان است. حقوق شهروندی، به‌ویژه آن‌چه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پیش‌بینی شده است، چارچوب قانونی لازم برای تضمین عدالت، برابری، آزادی و مسئولیت اجتماعی شهروندان فراهم می‌آورد و زمینه‌ساز مشارکت مؤثر آنان در اداره شهرها می‌شود. با وجود قوانین متعدد، کمبود آموزش، ناآگاهی شهروندان و محدودیت‌های اجرایی، مانع تحقق کامل حقوق شهروندی و کاهش مشارکت مؤثر در مدیریت شهری است. بنابراین، تقویت آموزش حقوق شهروندی، توسعه نهادهای مشارکتی محلی، شفافیت و پاسخگویی مدیریت شهری، بازنگری قوانین و ارتقای سرمایه اجتماعی، از الزامات دستیابی به شهری پایدار، منصفانه و مشارکتی است.

واژگان کلیدی: حقوق اساسی، حقوق شهروندی، مشارکت شهروندان، مدیریت شهری.

مقدمه

در دنیای معاصر، مدیریت امور شهری، به‌ویژه در کشورهای جهان سوم که با افزایش تصاعدی جمعیت، گسترش شتابان کالبدی، تقاضای فزاینده خدمات نوین شهری، منابع مالی و درآمدی ناپایدار و غیرقابل اتکا و نیز بسیاری مشکلات دیگر مواجه‌اند، وظیفه‌ای بسیار دشوار محسوب می‌شود. شهرها هسته اصلی رویدادها و کانون انواع تعاملات و مناسبات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی هستند و به‌عنوان منبعی مهم برای توسعه مطرح می‌شوند. مدیریت شهری نقش بسیار مهمی در توسعه و بهبود سکونتگاه‌های شهری دارد و می‌تواند در مسیر توسعه پایدار و قانونمند مورد توجه قرار گیرد (گزارش دبیر اجرایی کمیسیون سکونتگاه‌های انسانی سازمان ملل، ۱۳۷۳).

مدیران شهری از سویی با توسعه بی‌رویه شهری و پیامدهای ناشی از مهاجرت‌های جدید به شهرها روبه‌رو هستند و از سوی دیگر، با مسائل و مشکلات حادی همچون بیکاری، فقر، بدمسکنی، کمبود زیرساخت‌های شهری و بحران‌های زیست‌محیطی دست‌به‌گریبان‌اند. در کشور ما نیز روند شهرنشینی و مشکلات مدیریت شهری کم‌وبیش با کشورهای

جهان سوم مشابهت دارد. از یک سو، توسعه بی‌رویه شهرها، روند شتابان شهرنشینی و مشکلات پیچیده و فزاینده شهری قرار دارد و از سوی دیگر، محدودیت‌های حقوقی و قانونی، کمبود نیروی انسانی متخصص، منابع مالی ناچیز و تأسیسات و تجهیزات شهری فرسوده و ناکافی پیش روی مدیریت شهری است. روند رو به رشد شهرنشینی در ایران، هم‌نشینی فرهنگ‌های مختلف با یکدیگر و تبدیل شدن ارتباطات روستایی به روابط شهری، ضرورت بازنگری در تعاملات با نهادهای شهرنشینی در جامعه شهری را بر اساس معیارهای قانونی به‌روز و با ضمانت اجرایی قوی بیان می‌کند (برازمند و همکاران، ۱۴۰۱).

در هر جامعه‌ای همواره خرده‌فرهنگ‌هایی وجود دارد که حاصل تأثیر متقابل آن‌ها بر یکدیگر، فرهنگ عامه را شکل می‌دهد. هرچه خرده‌فرهنگ‌های مثبت جامعه‌ای بیشتر باشد، آن جامعه از غنای فرهنگی و ظرفیت مشارکت‌پذیری بیشتری برخوردار خواهد بود. بنابراین، مجموعه قوانینی که موجب تبدیل انسان‌های شهرنشین به شهروند، تحقق توسعه پایدار، پیدایش جامعه مدنی و انسان متمدن و مدرن، ارتقای کیفیت زندگی شهری و ایمن‌سازی شهر در برابر مخاطرات می‌شود، نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند (صیدیگی و همکاران، ۱۳۹۷).

از این رو، برای پاسخ‌گویی به این چالش‌ها، توجه به نقش حقوق اساسی و حقوق شهروندی در تدوین و اجرای قوانین شهری امری ضروری است. این حقوق می‌توانند چارچوبی قانونی و منسجم برای سامان‌دهی مدیریت شهری، تقویت مشارکت شهروندان و تحقق توسعه پایدار در شهرها فراهم آورند.

مهم‌ترین بحث در حقوق شهروندی، آشنایی شهروندان با قوانین و مقررات است. در این راستا، قانون اساسی به‌عنوان مهم‌ترین منبع قانونی که اصول اساسی حقوق یک ملت - دولت در آن تبیین شده و تشکیلات و روابط میان قوای مختلف و قدرت‌های عمومی را مشخص می‌سازد، متضمن قواعد کلی در خصوص جنبه‌های حمایتی حقوق شهروندی است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با الهام از آموزه‌های دینی، به تبیین روابط متقابل دولت و شهروندان، به‌ویژه در حوزه آزادی‌ها، پرداخته و با استناد به منابع اصیل دینی، اصول حقوق شهروندی را در چارچوبی مشخص بیان می‌کند (پروین و فرج‌پور اصل مرندی، ۱۳۹۴).

در اصل بیست‌وششم قانون اساسی، با به‌رسمیت شناختن تشکیل و فعالیت احزاب و جمعیت‌ها که ناشی از ویژگی اجتماع‌پذیری انسان است، شهروندان قادر می‌شوند تا افراد دارای تمایلات مشترک فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در کنار یکدیگر قرار گیرند و به‌عنوان توده‌ای نیرومند، در راستای احقاق حقوق و آزادی‌های خود، از جمله در محیط سایبر، تلاش و فعالیت کنند. همچنین به موجب اصل بیست‌وهفتم قانون اساسی، شهروندان می‌توانند در بیان مطالبات، اعتراضات یا دفاع از حقوق خویش، از طریق تشکیل نهادهای مدنی و برگزاری راهپیمایی‌های قانونی، ضمن جلب افکار عمومی، به رعایت و حفظ حقوق قانونی خود بپردازند (جعفری تبریزی، ۱۳۹۰).

قانون اساسی هر کشور به‌نوعی بازتاب‌دهنده فرهنگ حاکم بر آن جامعه از جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است و مورد تأیید افراد جامعه قرار می‌گیرد. در وهله نخست، این قانون باید چتر حمایتی خود را از نظر سیاسی و آزادی‌های فردی بر سر شهروندان بگستراند؛ چراکه تاریخ نشان داده است جوامعی که در حوزه سیاسی و در توجه به آزادی‌های فردی و حقوق شهروندان موفق بوده‌اند، در سایر عرصه‌ها نیز توفیق بیشتری داشته‌اند. محوریت عدالت، آزادی‌های فردی و اجتماعی، حق بهره‌مندی از آموزش رایگان و حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در قالب قانون اساسی، ضامن تحقق آموزش حقوق شهروندی محسوب می‌شود.

بر این اساس، جامعه مدنی و نهادهای غیردولتی باید از جایگاهی مؤثرتر در آموزش حقوق شهروندی برخوردار باشند و حتی از طریق شیوه‌های مذهبی و در قالب مؤسسات و نهادهای خیریه، به ترویج حقوق شهروندی در ابعاد نظری و عملی

بپردازند. همچنین آموزش‌های ضمن خدمت در مدارس و دانشگاه‌ها، ضرورتی اساسی برای تضمین حقوق شهروندی و تحقق عملی حقوق منبعث از قانون اساسی و منشور حقوق شهروندی به شمار می‌رود (اردلان و همکاران، ۱۳۹۹).
قانون اساسی حقوق شهروندی را به سه دسته تقسیم می‌کند: حقوق مطلق شهروندی که بدون قید و شرط برای همه افراد جامعه به رسمیت شناخته شده‌اند، مانند تأمین امنیت قضایی عادلانه، حق مسکن و انتخاب شغل. دسته دوم، حقوق مقید به قانون هستند که در متن اصول قانون اساسی محدود شده و اعمال آن‌ها منوط به حکم قانون عادی است. در نهایت، حقوق مشروط شهروندی قرار دارند که در متن قانون با قیودی همچون عدم نقض استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی، عدم مخالفت با اسلام، مصالح عمومی و حقوق دیگران همراه است. با این حال، در قانون اساسی مرجع مشخصی برای رسیدگی به تخلف و نقض حقوق شهروندی به‌طور مستقل پیش‌بینی نشده است، اگرچه دادگستری و دادگاه‌های عمومی به‌عنوان مرجع رسمی رسیدگی به تظلمات شناخته می‌شوند (خانی و مظفری، ۱۳۹۹).

مفهوم شهر

شهر مفهومی چندبعدی و پیچیده است که از دیدگاه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، جغرافیایی و کالبدی تعاریف گوناگونی یافته و ارائه تعریفی جامع و واحد برای همه شهرهای جهان دشوار است (ژند، ۱۳۹۶). به‌طور کلی، شهر سکونتگاهی انسانی است که برای تأمین نیازهای فردی و اجتماعی، رفاه و بهبود کیفیت زندگی شکل گرفته و در چارچوب نظام‌های فضایی، سیاسی و مدیریتی هر کشور سازمان می‌یابد. از دیدگاه جغرافیایی، شهر حاصل تعامل انسان با طبیعت و فضایی ساخته‌شده به‌دست انسان است که در بستر تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، به‌صورت فرآیندی مداوم از تخریب و بازسازی شکل می‌گیرد (فکوهی، ۱۳۸۳).

از دیدگاه جامعه‌شناسی، شهر محل تمرکز جمعیت، گسترش اطلاعات، روابط اجتماعی، مشارکت و همکاری اخلاق مدارانه است و بستر تحقق حقوق و مسئولیت‌های شهروندی به شمار می‌رود (لطیفی و منجزی، ۱۳۹۶). مکتب شیکاگو نیز شهر را همچون موجودی زنده اجتماعی می‌داند که از عناصر کالبدی و غیرکالبدی مانند فرهنگ، هنجارها و رفتارهای اجتماعی تشکیل شده است (ژند، ۱۳۹۶).

از دیدگاه علمی و فلسفی، شهر پدیده‌ای قابل سنجش با ابعاد عینی و کالبدی و نیز پدیده‌ای زمانی - مکانی است که در طول زمان تکامل می‌یابد (حبیبی و سعیدی رضوانی، ۱۳۸۴). در نهایت، از منظر اجتماعی، شهر واقعیتی اجتماعی و فضایی مناسب برای تعالی ارزش‌های فرهنگی، حفظ هویت‌های محلی و ملی و شکل‌گیری و تقویت نهادها و روابط اجتماعی محسوب می‌شود (رضازاده، ۱۳۸۴).

اهمیت شهر

شهر و شهرنشینی به‌دلیل جایگاه محوری خود در زندگی اجتماعی انسان، همواره مورد توجه اندیشمندان بزرگ از گذشته تا دوران معاصر بوده است. متفکرانی چون ابن‌خلدون، افلاطون، رابرت پارک و دیوید هاروی به بررسی مسائل و تحولات شهری پرداخته‌اند. هرچند شهرنشینی پدیده‌ای جدید نیست، اما شهرنشینی معاصر دارای ویژگی‌هایی است که آن را از شهرهای کلاسیک و سنتی متمایز می‌سازد. برخی جامعه‌شناسان، پیدایش مکاتبی چون مکتب شیکاگو و حتی شکل‌گیری علم جامعه‌شناسی را نتیجه تحولات شهرنشینی می‌دانند و گروهی دیگر شهرنشینی را مسیر اصلی توسعه قلمداد می‌کنند. به باور اندیشمندانی چون مایرون وینر، شهرنشینی و توسعه رابطه‌ای متقابل و جدایی‌ناپذیر دارند و شهر بستری برای خلق فرصت‌ها، نوآوری‌ها و رشد شاخص‌های توسعه انسانی است، هرچند محدودیت‌هایی نیز به همراه دارد (حبیبی، ۱۳۸۴).

در شهرها، به دلیل فرصت‌های اشتغال و درآمد، احساس امنیت و دسترسی بهتر به آموزش و بهداشت، سطح توسعه انسانی بالاتر و پایدارتر است. در ایران نیز شهرنشینی از دهه ۱۳۴۰ به طور شتابان گسترش یافته و علت اصلی این گرایش، تمرکز امکانات، دانشگاه‌ها، صنایع، خدمات بهداشتی و ارتباطات نوین در شهرها بوده است؛ به گونه‌ای که شهرنشینی با بهبود کیفیت زندگی و دسترسی به فرصت‌های بیشتر پیوند خورده است (حبیبی، ۱۳۸۴).

شهروندی

شهروندی مفهومی برخاسته از شهر و مرحله‌ای پیشرفته از شهرنشینی است. زمانی که ساکنان شهر به حقوق یکدیگر احترام گذاشته و مسئولیت‌های خود را در قبال جامعه و شهر ایفا کنند، از «شهرنشین» به «شهروند» ارتقا می‌یابند. شهروندی از مفاهیم اساسی در شناخت جایگاه انسان معاصر است و هویت شهروندی، انسان امروز را از انسان قرون گذشته متمایز می‌سازد. در واقع، شهروندی مجموعه‌ای از حقوق، وظایف و تعهدات متقابل است که بر پایه عدالت، برابری و استقلال شکل می‌گیرد (صرافی و عبداللهی، ۱۳۸۷). زندگی شهری مدرن با تنوع انگیزه‌ها و سبک‌های زندگی همراه است و همین امر، ضرورت وجود روابط منظم اخلاقی و حقوقی میان افراد و گروه‌های اجتماعی را برجسته می‌سازد. در این راستا، دولت‌ها و نهادهای عمومی با تدوین قوانین و مقررات اجتماعی، در صدد سامان‌دهی روابط اجتماعی و جلوگیری از بی‌نظمی و آشفتگی برمی‌آیند. مارشال، از پیشگامان نظریه شهروندی، شهروندی را پدیده‌ای تاریخی و تکاملی دانسته و آن را به سه بُعد مدنی، سیاسی و اجتماعی تقسیم می‌کند. منزلت شهروندی از طریق قانون اعطا می‌شود و افراد به اعتبار مشارکت در زندگی جمعی، در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی از حقوق و تکالیفی متقابل برخوردار می‌شوند. از این رو، شهروندی نقطه اتصال جغرافیای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بوده و بیش از آنکه صرفاً یک نظریه باشد، مفهومی است که مشارکت فعال در جامعه را رسمیت می‌بخشد. (برازمند و همکاران، ۱۴۰۱)

در دانشنامه سیاسی، شهروند فردی تعریف می‌شود که در برابر دولت دارای وظایفی است و هم‌زمان از حقوق مدنی و سیاسی برخوردار است؛ رابطه میان شهروند و دولت نیز از طریق قوانین مدنی و قانون اساسی تنظیم می‌شود. شهروندان صرفاً فرمان‌بردار حکومت نیستند، بلکه از حقوق طبیعی برخوردارند که دولت موظف به رعایت و حمایت از آنهاست (کامیار، ۱۴۰۱). در نهایت، شهروندی صرفاً به دلیل منافع فردی جذاب نیست، بلکه مفهومی اجتماعی و دوسویه است که می‌تواند فراتر از هویت‌هایی چون جنسیت، مذهب، طبقه و نژاد، زمینه‌ساز مشارکت، انسجام اجتماعی و انگیزش سیاسی انسان‌ها شود (صرافی و عبداللهی، ۱۳۸۷).

حقوق شهروندی

مفهوم نوین حقوق شهروندی نخستین بار در اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه در سال ۱۷۸۹ میلادی مطرح شد و پس از آن در قانون اساسی ۱۷۹۱ فرانسه تثبیت گردید. همچنین اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در بسیاری از مواد خود از مفاد این اعلامیه الهام گرفته است (محسنی، ۱۳۸۹).

حقوق شهروندی در مکاتب فکری، اعتقادی و اجتماعی مختلف، تعاریف متفاوتی دارد. در فرهنگ غربی، این مفهوم بیشتر بر جنبه‌های سیاسی و اجتماعی همچون تابعیت و حق رأی تأکید دارد و گاه مترادف بهره‌مندی از حقوق لیبرالی یا حقوق سیاسی و اجتماعی شهروندان تلقی می‌شود. در مقابل، در فرهنگ اسلامی، حقوق شهروندی مفهومی گسترده‌تر دارد و تنها به حق رأی یا حقوق سیاسی محدود نمی‌شود، بلکه ابعاد متنوعی از حقوق و تکالیف انسان را در بر می‌گیرد (سجادی و همکاران، ۱۳۹۶).

امروزه حقوق شهروندی مجموعه‌ای از حقوق اجتماعی، سیاسی، قضایی، حقوق زنان، حقوق کودکان، حقوق بزه‌دیدگان و سایر گروه‌های اجتماعی را شامل می‌شود. در تعریفی جامع می‌توان گفت حقوق شهروندی مجموعه‌ای از قواعد و مقررات است که با هدف حفظ کرامت و شخصیت انسانی در حوزه‌های سیاسی، قضایی و اجتماعی تدوین شده و اجرای آن مستلزم همکاری هم‌زمان جامعه و حکومت است (قربانی‌پور و همکاران، ۱۳۸۶).

حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی به‌عنوان عالی‌ترین سند حقوقی کشور، رسالت اصلی خود را در تحدید قدرت و تضمین حقوق بنیادین و شهروندی مردم دنبال می‌کند (دبیرنیا و شجاعی، ۱۴۰۰). در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصل سوم به «حقوق ملت» اختصاص یافته و مهم‌ترین اصول ناظر بر حقوق شهروندی در حوزه‌های فردی، اجتماعی، سیاسی، قضایی و اقتصادی مورد تصریح قرار گرفته است.

از مهم‌ترین این حقوق، اصل بر خورداری از حقوق مساوی است که در اصول ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی بیان شده و بر برابری همه افراد ملت در حمایت قانونی، بدون تبعیض نژادی، قومی، زبانی و جنسیتی تأکید دارد؛ هرچند این برابری ناظر بر حمایت قانونی است و نه لزوماً تساوی در تمامی مصادیق حقوقی (احمدی طباطبایی، ۱۳۸۸). اصل امنیت فردی از ارکان اساسی حقوق شهروندی است که در اصل ۳۲ قانون اساسی و همسو با ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد توجه قرار گرفته و با اصولی همچون قانونی بودن جرم و مجازات، علنی بودن محاکمات و حق بر خورداری از وکیل تکمیل می‌شود.

مصونیت مسکن و محل سکونت و آزادی انتخاب محل اقامت از دیگر حقوق شهروندی است که در اصل ۲۲ قانون اساسی تضمین شده و هرگونه تعرض به جان، مال، مسکن و حیثیت اشخاص را جز در موارد قانونی ممنوع می‌داند (مدرسی، ۱۳۹۱). در راستای صیانت از حریم خصوصی، اصل عدم تعرض به مکاتبات و ارتباطات در اصل ۲۵ قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته و هرگونه تجسس، سانسور و استراق سمع را جز به حکم قانون ممنوع اعلام کرده است. ممنوعیت تفتیش عقاید و تضمین آزادی مذهبی و دینی، به‌ویژه برای اقلیت‌های دینی به رسمیت شناخته شده، در اصول ۱۲، ۱۳ و ۱۴ قانون اساسی تبیین شده و بر رفتار عادلانه و انسانی دولت اسلامی با همه شهروندان تأکید دارد. در حوزه قضایی، حقوق قضایی شهروندی شامل حق دادخواهی، دسترسی به دادگاه صالح، حق انتخاب وکیل و رعایت تشریفات عادلانه دادرسی در اصول ۳۴ و ۳۵ قانون اساسی تضمین شده است. همچنین اصل برائت در اصل ۳۷ و منع شکنجه و هتک حرمت اشخاص در اصول ۳۸ و ۳۹، از مهم‌ترین تضمین‌های حقوق فردی و انسانی شهروندان به شمار می‌رود (حیدری، ۱۴۰۲).

آزادی اخبار و اطلاعات و آزادی مطبوعات، به‌عنوان شرط تحقق شفافیت و مردم‌سالاری، در اصول ۲۴ و ۱۷۵ قانون اساسی به رسمیت شناخته شده و هرچند مقید به رعایت مبانی اسلام، مصالح ملی و اخلاق عمومی است، از ارکان اساسی حقوق شهروندی محسوب می‌شود. بخش مهمی از حقوق شهروندی به آزادی‌های سیاسی و اجتماعی اختصاص دارد؛ از جمله آزادی تشکیل احزاب، انجمن‌ها، اجتماعات و راهپیمایی‌های قانونی که در اصول ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی تصریح شده است. حرمت مالکیت مشروع نیز به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین شهروندان و عامل مهم توسعه اقتصادی، در اصول ۴۰ و ۴۷ قانون اساسی تضمین شده و اعمال حق مالکیت را مشروط به عدم اضرار به غیر و منافع عمومی می‌داند. در نهایت، حق تابعیت و تغییر آن به‌عنوان یکی از حقوق اساسی شهروندان، هم در اعلامیه جهانی حقوق بشر (ماده ۱۵) و هم در اصل ۴۱ قانون اساسی ایران مورد تأکید قرار گرفته و سلب خودسرانه تابعیت از شهروندان ممنوع اعلام شده است (دبیرنیا و شجاعی، ۱۴۰۰).

قوانین شهری

اصلی‌ترین بحث در حوزه حقوق شهروندی مرتبط با زندگی شهری، آشنایی شهروندان با قوانین و مقررات جاری شهرنشینی و مدیریت شهری است تا زمینه‌های حمایت و پیگیری حقوق شهروندی فراهم شود. ناآگاهی شهروندان از حقوق خود می‌تواند موجب سوءاستفاده مدیریت شهری و ایجاد زیان برای مردم شود. در این راستا، مفهوم شهروندسازی مطرح می‌شود که به معنای فراهم آوردن امکانات، تسهیلات و سازوکارهای لازم برای آگاهی شهروندان از قوانین شهری و دستیابی به حقوق خود است و همچنین موجب انجام مسئولیت‌ها و تکالیف شهروندی در قالب جامعه محلی و شهری می‌شود (زیاری و دیگران، ۱۳۹۲).

با وجود برخی اصول حمایتی در سطح کلان، در بسیاری از قوانین شهری جایگاه واقعی شهروندی به‌عنوان فردی دارای حقوق مشخص چندان مطرح نشده و افراد عمدتاً با عناوین یا نقش‌های خاصی ذکر می‌شوند. به‌عنوان مثال در قانون شوراها مردم با عنوان «انتخاب‌کنندگان» مطرح می‌شوند، در قوانین پرداخت عوارض شهری با عنوان «مودی» شناخته می‌شوند، در قوانین ساخت و ساز با عنوان «مالک» معرفی می‌شوند و در قوانین تخلفات ساختمانی نیز افراد با عنوان «متخلف» مطرح می‌شوند. این رویه نشان می‌دهد که مفهوم شهروندی و حقوق متعاقب آن در قوانین شهری به‌طور نافرآگیر و صریح به‌چالش کشیده شده و از نظر وجهه قانونی و عملی حقوقی شهروندان به‌گونه‌ای کم‌رنگ‌تر دنبال می‌شود. ضرورتی پدید می‌آید تا قوانین شهری با بازنگری و تدقیق بیشتری، جایگاه حقوقی شهروندان را به‌عنوان دارایی‌های اجتماعی با حقوق و تکالیف برابر و مشخص تبیین و تقویت کنند تا از منظر عدالت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری مدنی پاسخگو باشند.

مدیریت شهری

با گسترش شهرنشینی و افزایش جمعیت شهری به دلیل مهاجرت و تمرکز افراد با فرهنگ‌ها و نیازهای متنوع، مدیریت شهری اهمیت ویژه‌ای یافته است. شهرها به مراکز فرصت تبدیل شده‌اند و ارائه خدمات و امکانات متناسب با جمعیت و نیازهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، مستلزم وجود مدیریت شهری توانمند است (تشرکی هاشمی، ۱۳۹۳). مهم‌ترین اهداف مدیریت شهری شامل ارتقای شرایط زندگی و کار شهروندان، حفاظت از حقوق شهروندی، تشویق به توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار و حفظ محیط کالبدی شهر است (سعیدنیا، ۱۳۷۹). مدیریت شهری باید هم مشکلات موجود را شناسایی و حل کند و هم با برنامه‌ریزی برای آینده، مسیر توسعه شهر را بر اساس واقعیت‌ها و شرایط زمان و مکان ترسیم نماید. به طور کلی، مدیریت شهری عبارت است از سازماندهی عوامل و منابع برای پاسخگویی به نیازهای ساکنان شهر (صرافی و دیگران، ۱۳۷۹).

مشارکت شهروندان در بهبود مدیریت شهری

فرآیند تصمیم‌گیری در شهر زمانی می‌تواند به نفع شهر و مدیریت شهری عمل کند که شهروندان از توانایی و آگاهی لازم برای مشارکت مؤثر برخوردار باشند. با این حال، در این زمینه مشکلات فراوانی وجود دارد؛ از جمله افزایش گسترده وظایف اداره شهر و پیچیده‌تر شدن تعاملات شهروندان با شهرداری که روند مدیریت شهری را با چالش مواجه کرده است (محمدی و تبریزی، ۱۳۹۱). به‌طور کلی، اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبنای شکل‌گیری حقوق شهروندی را فراهم می‌آورد. حقوق شهروندی از حیث موضوع به حقوق اساسی و کلی و نیز حقوق اجتماعی تقسیم می‌شود که حقوق فرهنگی، اداری، سیاسی و اقتصادی را دربرمی‌گیرد (رضایی‌پور، ۱۳۹۳). هرچند در قانون اساسی ایران

به صراحت از واژه «شهروند» نام برده نشده است، اما مفاد آن به طور مستقیم و غیرمستقیم ناظر بر حقوق شهروندی است (صرافی و عبداللهی، ۱۳۸۷).

نکته حائز اهمیت آن است که صرف وجود قانون، تضمینی برای تحقق و اجرای حقوق شهروندی محسوب نمی شود و نقش عاملان و مجریان قوانین در این زمینه بسیار تعیین کننده است. مشکل اصلی حقوق شهروندی در ایران، کمبود قانون نیست، بلکه چالش اساسی در اجرای دقیق قوانین، به ویژه اصول قانون اساسی، نهفته است. در صورتی که مجریان قانون، که خود شهروندان جامعه اند و در سازمان ها نقش ها و پایگاه های مختلفی را بر عهده دارند، عملکردی صحیح نداشته باشند، حقوق شهروندی در جامعه نقض شده و منافع گروه های خاصی تأمین می شود. در چنین شرایطی می توان گفت حقوق شهروندی در جامعه با شکست مواجه شده است (امام جمعه و اشتري، ۱۳۹۳).

مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی

مشارکت فرایندی عمومی، اجتماعی و چندفرهنگی است که هدف آن تشویق همه افراد جامعه به ایفای نقش در تمام مراحل توسعه است و به افزایش خودتکایی و تحقق توسعه پایدار کمک می کند. این فرایند تعاملی است و طرفین از قدرت و نفوذ مشابه برخوردارند و می تواند به صورت داوطلبانه و گروهی در قالب نهادهای محلی و غیر دولتی مانند شوراهای شهر سازماندهی شود. (برازمند و همکاران، ۱۴۰۱)

نظریه های مشارکت به دو دسته تقسیم می شوند: نخست، جامعه شناختی که مشارکت را عملی اجتماعی می داند و ناشی از وجوه فرهنگی جامعه است و تحت تأثیر سیستم فرهنگی قرار دارد؛ دوم، روانشناختی که مشارکت بر اساس محاسبه هزینه و فایده رفتار افراد شکل می گیرد و افراد با توجه به مجازات یا پاداش، رفتار خود را ادامه می دهند (طاعتی، ۱۳۹۹). موفقیت مشارکت شهری به چند عامل بستگی دارد؛ از جمله فرهنگ سیاسی شهر که میزان اعتماد بین مردم و باور به اثرگذاری فرد در امور، فضای مساعد یا نامساعد برای مشارکت ایجاد می کند و همچنین ضروریات مدیریت مشارکتی شامل ساختار، جهت گیری و فراگرد فعالیت ها که باید به گونه ای باشد که امکان مشارکت مؤثر فراهم شود. این عوامل نشان می دهند که مشارکت مؤثر نیازمند ترکیبی از فرهنگ سیاسی مناسب و ساختار مدیریتی سازمان یافته است.

موانع و تنگناهای مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی در مدیریت شهر

موانع مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی در مدیریت شهری تحت تأثیر متغیرهای متعددی از جمله شرایط طبیعی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فنی قرار دارد. مطالعات شینانی و ابطحی (۱۴۰۰) چهار عامل اصلی و هفت عامل فرعی برای عدم مشارکت شناسایی کرده اند که شامل ساختار و بافت شهری، مدیریت ناکارآمد، موانع سیاسی-قانونی و پایین بودن سرمایه اجتماعی و مسئولیت پذیری است. تفکیک این عوامل دشوار است و برخی از آنها ممکن است با یکدیگر همپوشانی داشته باشند.

اولین عامل اصلی، ساختار و بافت شهری است که ناشی از تمرکز جمعیت و وجود شکاف های طبقاتی در شهرهاست. افراد طبقات پایین، به دلیل محرومیت و آگاهی کم از حقوق قانونی خود، فرصتی برای مشارکت در مدیریت شهری ندارند و معمولاً نسبت به شوراها و برنامه های مشارکتی بی اعتنا هستند. همچنین ضعف فعالیت های محل محور و جابه جایی مداوم جمعیت باعث کم رنگ شدن هویت محله ای و کاهش مشارکت می شود. عامل دوم، مدیریت ناکارآمد شهری است که شامل چالش های مدیریتی شهرهای بزرگ و تضاد منافع میان سطوح ملی و محلی است. نبود هماهنگی میان نهادهای تداخل وظایف دولت و مدیریت شهری و تمرکزگرایی باعث می شود تا مشارکت محلی در اداره امور شهر کاهش یابد (شینانی و ابطحی، ۱۴۰۰).

سومین عامل، موانع سیاسی و قانونی است که شامل رویه‌های منفی نسبت به مشارکت، نگاه امنیتی به فعالیت‌های مردمی، سیاسی شدن انتخابات و ضعف حضور احزاب می‌شود. ابهام و تناقض در قوانین مدیریت شهری نیز باعث می‌شود که برنامه‌ریزی مؤثر برای مشارکت امکان‌پذیر نباشد. چهارمین عامل، پایین بودن سرمایه اجتماعی و کاهش اعتماد و مسئولیت‌پذیری است. اعتماد نهادی، یعنی میزان اعتماد مردم به نهادها و کارکنان شهری، نقش مهمی در مشارکت دارد. فساد اداری، تبعیض و کاهش رفاه، سطح مسئولیت‌پذیری اجتماعی را پایین می‌آورد و شهروندان را از مشارکت در مدیریت شهری بازمی‌دارد. عوامل فردی نیز در کاهش مشارکت مؤثرند، از جمله احساس بی‌قدرتی، تحصیلات پایین، ویژگی‌های سنی و جنسیتی، و محدودیت زنان در فعالیت‌های گروهی. مطالعات نشان می‌دهند که زنان تمایل بیشتری به مشارکت دارند اما با محدودیت‌های بیشتری روبه‌رو هستند (شیبانی و ابطحی، ۱۴۰۰). سایر عوامل شامل ویژگی‌های اخلاقی مردم، سطح درآمد و ارزیابی هزینه-فایده مشارکت نیز بر گرایش شهروندان تأثیرگذار است.

نتیجه‌گیری

در دنیای معاصر، مدیریت شهری به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه با چالش‌های فراوانی روبه‌روست. افزایش جمعیت، توسعه بی‌رویه کالبدی، فشار بر زیرساخت‌ها و منابع مالی محدود، مدیران شهری را با مشکلاتی چون بیکاری، فقر، بدمسکنی و بحران‌های زیست‌محیطی مواجه می‌سازد. شهرها هسته اصلی فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هستند و مدیریت صحیح آنها نقش محوری در توسعه پایدار و ارتقای کیفیت زندگی دارد. حقوق شهروندی به‌عنوان چارچوب قانونی، می‌تواند با تقویت مشارکت مردم و تضمین عدالت اجتماعی، زمینه تحقق توسعه پایدار و اداره بهینه شهرها را فراهم کند و ارتباط میان دولت و شهروندان را سامان دهد. شهروندی مفهومی فراتر از سکونت در شهر است و شامل حقوق و مسئولیت‌های متقابل افراد در جامعه است. ارتقای شهروند از شهرنشین مستلزم احترام به حقوق یکدیگر، رعایت قوانین و ایفای مسئولیت‌هاست. حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، شامل حقوق فردی، اجتماعی، سیاسی، قضایی و اقتصادی است و مبنای تحقق عدالت، آزادی و برابری میان افراد محسوب می‌شود. آموزش حقوق شهروندی و آگاهی شهروندان از قوانین، نقش مهمی در تحقق حقوق و توسعه جامعه مدنی دارد و زمینه مشارکت مؤثر آنان در اداره شهرها را فراهم می‌کند.

شهر به‌عنوان پدیده‌ای چندبعدی، از منظر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و کالبدی تعریف می‌شود و تعامل انسان با محیط، فرهنگ و تحولات اجتماعی-اقتصادی آن را شکل می‌دهد. شهر سکونتگاهی انسانی است که به‌منظور تأمین نیازهای فردی و اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی ایجاد شده و با نظام‌های مدیریتی و فضایی هر کشور سازگار می‌شود. تمرکز جمعیت و فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی در شهرها، سطح توسعه انسانی و کیفیت زندگی را ارتقا می‌دهد. شهر محیطی برای تعاملات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و تحقق حقوق شهروندی است و هویت جمعی و محلی را تقویت می‌کند. مدیریت شهری وظیفه سامان‌دهی منابع، ارائه خدمات و برنامه‌ریزی برای توسعه پایدار را بر عهده دارد. اهداف اصلی مدیریت شهری شامل ارتقای کیفیت زندگی، حفاظت از حقوق شهروندی، توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار و حفظ محیط کالبدی شهر است. مدیریت شهری مؤثر نیازمند شناسایی مشکلات موجود، برنامه‌ریزی برای آینده و هماهنگی میان نهادهای مختلف است. ارائه خدمات مناسب به جمعیت شهری، تقویت مشارکت شهروندان و پاسخگویی به نیازهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، مستلزم مدیریت توانمند و ساختار مدیریتی سازمان‌یافته است.

مشارکت شهروندان نقش کلیدی در بهبود مدیریت شهری دارد و بدون آگاهی و توانمندی آنان، تصمیم‌گیری‌ها ناکارآمد خواهد بود. مشارکت به‌صورت داوطلبانه و گروهی در قالب شوراهای محلی و نهادهای غیردولتی انجام می‌شود و می‌تواند به افزایش خودتکایی و توسعه پایدار کمک کند. عوامل مؤثر بر مشارکت شامل فرهنگ سیاسی، اعتماد به نهادها، ساختار

مدیریتی و انگیزه‌های فردی است. نبود هماهنگی، تمرکزگرایی، ابهام قوانین و کاهش سرمایه اجتماعی، مانع مشارکت مؤثر شهروندان می‌شود و حقوق آنان در مدیریت شهری نادیده گرفته می‌شود. موانع مشارکت شهروندان در مدیریت شهری شامل ساختار و بافت شهری، مدیریت ناکارآمد، موانع سیاسی و قانونی و کاهش سرمایه اجتماعی است. تمرکز جمعیت و شکاف‌های طبقاتی، محدودیت آگاهی و هویت محله‌ای ضعیف، مشارکت را کاهش می‌دهد. مدیریت ناکارآمد، تضاد منافع و تمرکزگرایی نیز موجب کاهش توانایی مردم برای مشارکت می‌شود. عوامل سیاسی و قانونی، از جمله نگاه امنیتی، سیاسی شدن انتخابات و ابهام قوانین، مانع فعالیت‌های مردمی است. همچنین کاهش اعتماد، فساد اداری و محدودیت‌های فردی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی را کاهش داده و مشارکت مؤثر را محدود می‌کند.

حقوق شهروندی با هدف حفظ کرامت انسانی و توسعه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تدوین شده است و اجرای آن نیازمند همکاری دولت و جامعه است. قانون اساسی ایران اصولی مانند برابری، امنیت فردی، حق مسکن، آزادی‌های مذهبی، قضایی و سیاسی را تضمین می‌کند. با وجود قوانین متعدد، مشکل اصلی در ایران کمبود قانون نیست، بلکه اجرای ناقص و ناکارآمد آن است. آموزش حقوق شهروندی، اطلاع‌رسانی و ایجاد نهادهای مشارکتی، راهکارهایی برای تحقق حقوق و مسئولیت‌های شهروندان است تا عدالت اجتماعی، توسعه پایدار و مدیریت شهری مؤثر محقق شود.

پیشنهادات

تقویت آموزش و اطلاع‌رسانی حقوق شهروندی: برگزاری دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های عملی در مدارس، دانشگاه‌ها، مراکز فرهنگی و محلات شهری برای آشنایی شهروندان با حقوق و مسئولیت‌های خود و نحوه تعامل مؤثر با نهادهای شهری.

- ✓ توسعه نهادهای مشارکتی محلی: ایجاد و تقویت شوراهای محله، انجمن‌های مردم‌نهاد و سازمان‌های غیردولتی برای مشارکت داوطلبانه شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها و نظارت بر اجرای پروژه‌های شهری.
- ✓ بهبود شفافیت و پاسخگویی مدیریت شهری: ارائه گزارش‌های منظم از عملکرد شهرداری و نهادهای شهری، ایجاد سامانه‌های الکترونیکی برای ثبت شکایات و پیشنهادات مردم و تضمین پیگیری قانونی آن‌ها.
- ✓ بازنگری و تدقیق قوانین شهری: اصلاح قوانین و مقررات شهری به گونه‌ای که جایگاه شهروند به‌عنوان فردی دارای حقوق و تکالیف مشخص تقویت شود و تبعیض‌ها و ابهام‌های قانونی کاهش یابد.
- ✓ تقویت سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی: اجرای برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی برای ارتقای اعتماد شهروندان به نهادهای کاهش فساد و تبعیض، تشویق به مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ایجاد انگیزه برای مشارکت فعال در اداره شهر.

منابع

- ✓ احمدی طباطبایی، سید محمدرضا، (۱۳۸۸)، حقوق شهروندی با تأکید بر قانون اساسی، فصلنامه خط اول، شماره ۸.
- ✓ اردلان، عیسی، یاقوتی، ابراهیم، جاوید، محمدجواد، (۱۳۹۹)، تضمینات حقوقی آموزش شهروندی در چارچوب نظام حقوقی ایران، مجله اخلاق زیستی، شماره ۳۵.
- ✓ امام جمعه، فرهاد، اشتری، کیانا، (۱۳۹۲)، تبیین جامعه‌شناختی وضعیت حقوق شهروندی در سازمان‌های اجرایی جامعه شهری اراک، فصلنامه پژوهش اجتماعی، دوره ۶، شماره ۱۹.
- ✓ برازمد، سحر، تقدسی‌نژاد، عباس، (۱۴۰۱)، تأثیر حقوق شهروندی در ارتقای زندگی شهری و مشارکت مردم، نشریه ایرانی مطالعات شهروندی، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۳۹-۱۶۵.

- ✓ پروین، خیرالله، فرج پور اصل مرندی، علی اصغر، (۱۳۹۴)، ریشه‌های حقوق شهروندی مذکور در قانون اساسی در شریعت اسلام، دو فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، شماره ۸.
- ✓ تشکری هاشمی، سید جعفر، (۱۳۹۳)، بازشناسی مدیریت شهری، نشریه علمی، آموزشی و خبری حمل و نقل توسعه، شماره ۹۰.
- ✓ جعفری تبریزی، محمد تقی، (۱۳۹۰)، حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب. تهران: دفتر خدمات حقوق بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران.
- ✓ حبیبی، سید محسن، سعیدی رضوانی، هادی، (۱۳۸۴)، شهرسازی مشارکتی: کاوشی نظری در شرایط ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۴، صص ۱۵-۲۴.
- ✓ حیدری، معصومه، (۱۴۰۲)، تأثیر و نقش حقوق اساسی در تضمین حقوق شهروندی، فصلنامه تمدن حقوقی، دوره ۶، شماره ۱۶.
- ✓ خانی، وحید، مظهری، محمد، (۱۳۹۹)، بررسی تطبیقی مؤلفه‌های حقوق شهروندی در قوانین اساسی ایران، مصر و تونس، پژوهشنامه حقوق تطبیقی، شماره ۵.
- ✓ دبیرنیا، علیرضا، شجاعی، عبدالرسید، (۱۴۰۰)، رابطه حقوق بشر و حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه حقوق اسلامی، شماره ۷۰.
- ✓ درسی، محمد، (۱۳۹۱)، بررسی مبانی و مصادیق حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نخستین همایش ملی فلسفه حقوق با تأکید بر فلسفه حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رامهرمز.
- ✓ رضازاده، مرضیه، (۱۳۸۴)، عوامل اجتماعی و تحول فرم فضای شهری، تهران: پایگاه اطلاع‌رسانی شهرسازی و معماری.
- ✓ زیاری، کرامت‌الله، شیخی، عبدالله، باقر عطاران، مرضیه، کاشفیدوست، دیمن، (۱۳۹۲)، ارزیابی میزان آگاهی‌های عمومی شهروندان پیرانشهر از حقوق شهروندی و قوانین شهری، پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، دوره ۱، صص ۵۹-۷۷.
- ✓ ژند، مهرداد، (۱۳۹۶)، شهر چیست؟ تهران: انتشارات پایدار.
- ✓ سجادی، ژیلا، واحدی یگانه، فرید، (۱۳۹۶)، بررسی و سنجش میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی و قوانین شهری با هدف دستیابی به زندگی شایسته؛ مطالعه موردی: شهر سنندج، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس، دوره ۹، شماره ۳۴، صص ۱-۲۲.
- ✓ سعیدنیا، احمد، (۱۳۷۹)، مدیریت شهری، تهران: سازمان شهرداری‌های کشور، جلد ۱۱، صص ۲۰-۲۱.
- ✓ شیبانی، ملیحه، ابطخی، سید احمد، (۱۴۰۰)، شناسایی موانع مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی در مدیریت شهری تهران: یک تحلیل محتوای کیفی، مجله توسعه محلی (روستایی-شهری)، دوره ۱۲، شماره ۲، صص ۶۴۳-۶۶۵.
- ✓ صرافی، مظفر، جمعی از اساتید، (۱۳۷۹)، مفهوم، مبانی و چالش‌های مدیریت شهری، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲.
- ✓ صرافی، مظفر، عبدالمهی، مجید، (۱۳۸۷)، تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین و مقررات.
- ✓ صرافی، مظفر، عبدالمهی، مجید، (۱۳۸۷)، تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۳، صص ۱۱۵-۱۳۴.
- ✓ صیدبیگی، صادق، سرور، رحیم، فرجیراد، عبدالرضا، (۱۳۹۷)، نقش مدیریت شهری در توسعه فرهنگ شهر و شهرنشینی: مطالعه موردی شهر ایلام، نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، دوره ۱۰، شماره ۳، صص ۲۸۹-۳۰۴.

- ✓ طاعتی، آزاده، (۱۳۹۹)، شوراهاى محلى در ايران و چند کشور دنیا، گزارش ۲۰۱ مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
- ✓ فکوهی، ناصر، (۱۳۸۳)، انسان‌شناسی شهری، تهران: انتشارات نی.
- ✓ قربانی‌پور، جمیله، رضایی‌نژاد، امیرعلی، (۱۳۸۶)، آشنایی با حقوق شهروندی، معاونت آموزش قوه قضائیه.
- ✓ کامیار، غلامرضا، (۱۴۰۱)، حقوق شهری و شهرسازی، چاپ ۱۵، تهران: انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- ✓ گزارش دبیر اجرایی کمیسیون سکونتگاه‌های انسانی سازمان ملل، (۱۳۷۳)، صفحات ۵-۸.
- ✓ لطیفی، غلامرضا، منجزی، فاطمه، (۱۳۹۶)، مدیریت بحران در بافت‌های فرسوده در توسعه پایدار شهری، تهران: انتشارات آثار فکر.
- ✓ محسنی، رضا علی، (۱۳۸۹)، ابعاد و تحلیل حقوق شهروندی: راهکارهایی برای تربیت و آموزش حقوق شهروندی، فصلنامه مطالعات سیاسی، دوره ۳، شماره ۱۰، صص ۱۱۷-۱۴۴.
- ✓ محمدی، جمال، تبریزی، نازنین، (۱۳۹۰)، سنجش میزان آگاهی‌های عمومی به حقوق شهروندی و قوانین شهری؛ مورد مطالعه گروه سنی ۲۰ تا ۳۵ سال شهرهای ساری، بابل، آمل و قائمشهر، نشریه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۷۵-۱۹۰.